

« يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ » و « يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ »

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

« يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ » و « يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ »

مهدی سیاح زاده

انسانی که آینه ی دل او پر از کدورت است، هم خود و هم بیرون از خود را این گونه می بیند و می فهمد و نشان می دهد. درست مانند این است که عینکی با شیشه ای کبود بر چشم خود زده باشد. کسی که عینک کبود زده، جهان را چگونه می بیند؟ طبیعتاً تیره و تار.

پیش چشمت داشتی شیشه کبود

ز آن سبب، عالم کبودت می نمود

۱۳۲۹/۱

مولوی به آنانی که درونشان پر از کینه و عداوت و کدورت است می گوید: تو مانند همان آینه ای هستی که کدر شده است. تو عینک کبود بر چشم زده ای، این است که عالم و همه ی زیبایی های عالم را نمی توانی آنطور که هست

« يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ » و « يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ »

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

بینی. تو همه ی امور این جهان را بر اساس همین دید غیر واقعی خود می فهمی و بررسی می کنی. این است که ثروت را بزرگترین نعمت می دانی، برای شهرت، خود را به هر آب و آتشی می زنی، برای مقام، همه ی دنیا را به آتش و خون می کشی. چرا؟ برای این که آن حقایق نیک ازلی را که در عالم جاری و ساری است، کبود و تیره و تار می بینی و ادراک تو هم بر همان اساس ناروا است. وقتی این ظواهر نمی توانند به تو آن شادی حقیقی را بدهند، در نهایت دلشکستگی در درون افسرده ات می خزی، به انواع وسایل تخدیر و بی خیالی چنگ می زنی و وقتی آن ها نیز کار ساز نشدند، آن وقت همه ی عالم را بد می بینی، دنیا را بد می خوانی، همه چیز را ناپسند می دانی. در حالی که این خود تو هستی که با کبود کردن آیینه ی دل خود، و کبود دیدن دنیا، از حقیقت بریده ای و در دام شیطان درون خود گرفتار شده ای. اگر کور نیستی، اگر هنوز برقی از دیدار در چشمان بی فروغ تو مانده است، خودت را ببین و شکسته شدن خود را به دیگری نسبت نده:

گر نه کوری، این کبودی دان ز خویش
خویش را بد گو، مگو کس را تو بیش

« يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ » و « يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ »

وب سایت مهدی سیاح زاده www.sayahzadeh.com

۱۳۳۰/۱

اما از دید مولوی و عرفای دیگر مؤمن این گونه نیست. مؤمن
«با نور خدا می بیند.» (يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ):
مؤمن ار يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ نبود
غیب، مؤمن را برهنه چون نمود

۱۳۳۱/۱

اگر دید مؤمن با نور خدا نبود، چگونه عالم غیب بر او
آشکارا (برهنه) قابل دیدن (نمود) می شد؟ اما تو چون با
«آتش خدا» جهان را می نگری (يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ)، نمی توانی
نیکی و بدی را از هم تشخیص بدهی.
چون که تو يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ بدی
نیکویی را و ندیدی از بدی

۱۳۳۲/۱

نگریستن با «آتش خدا» به این معنی است که چون
هوی و هوس، شهوت، منیت و تمامی اعمالی که ناشی از نفس
اماره است سزاوار آتش خشم خدا است، پس هر وقت کسی
جهان را از این دیدگاه شیطانی نگریست، در واقع از دید
«آتش خدا می نگرد» (يَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ).